

اسلامی، به عنوان بزرگ‌ترین مانع ترسیم یک سیاست خارجی درست تأکید دارد. پرسش این است که آن «شناخت صحیح» مدنظر شما، چه نسخه‌ای را در قبال سیاست «نگاه به شرق» تجویز می‌کند؟

حسین سلیمی: اگر منطق دکتر متقی را بپذیریم، سیاست خارجی ما به تلاش برای بقا محدود خواهد شد؛ یعنی در برابر کشورهایی که می‌خواهند ما را از بین ببرند، ما برای بقا لازم باشد به سمت چین می‌رویم، لازم باشد به سمت روسیه می‌رویم و از نیروی آن‌ها برای دفاع از خودمان بهره می‌گیریم. اما در نهایت حتی اگر هم موفق شویم، تلاشمان فقط برای ماندن خواهد بود نه برای توسعه. این در روابط بین‌الملل به معنای رفتن در انزواست.

شما با تفسیری که دکتر متقی از وضعیت ایران در نظام بین‌الملل دارد مخالفید یا با نسخه‌ای که ایشان برای این وضعیت می‌پیچد؟

حسین سلیمی: مخالفت من همچنان با سنگ بنای بحث دکتر متقی، یعنی همان منطق قدرت ماتریالیستی است که از آن دفاع می‌کنند. اگر بگوییم که جهان روابط بین‌الملل فقط قدرت مادی است و تلاش برای بقا و ابزار برای بقا کاملاً مادی است، می‌بینیم که ابزار مادی آمریکا و اروپا در همه زمینه‌ها از ما بیشتر است. ما فرسنگ‌ها با آن‌ها در ابزار مادی فاصله داریم؛ لذا چاره‌ای جز تسلیم نخواهیم داشت. حالا فرض کنید برویم برای بقای خودمان، یک گوشه‌ای اختیار کنیم و همان جا زمین‌گیر بشویم. این هم با تسلیم فرق چندانی ندارد. نتیجه این منطق همین است. می‌خواهم بگویم نتیجه‌اش اتفاقاً انقلابی‌گری به معنای اینکه بخواهیم و بتوانیم معادلات جهانی را تغییر دهیم نیست. اما من فکر می‌کنم که در درون همین وضعیت هم می‌شود جز این رفتار کرد. ما چیزی به نام زنجیره ارزش خودی نداریم و زمانی وارد یک زنجیره ارزشی می‌شویم که در آن نقش اساسی داشته باشیم؛ چون ماهیت زنجیره ارزش جهانی است. ما می‌خواهیم از مزیت‌های نسبی خودمان استفاده کنیم برای اینکه در زنجیره‌های ارزشی وارد شویم که در آن تعیین‌کننده باشیم و این برای ما هم امنیت‌آفرین است هم منفعت‌آفرین. به این ترتیب، خواهیم توانست به تدریج در جهت تغییر دنیای خودمان هم تأثیر بگذاریم. البته لازمه‌اش تحقق دو پیش شرط است: شرط اول این است که ما باید بتوانیم دریچه‌های اقتصاد جهانی را به روی خودمان باز کنیم. این را باید امر حیاتی و بنیادی در امنیت خودمان بدانیم، این دریچه باید به هر قیمتی باز شود. ما باید وارد شبکه جهانی کنش و واکنش بانکی بشویم.

پس نگاه شما به برجام یا هر بدیل دیگری مثل آن، ابزاری است. یعنی فکر می‌کنید به شرط اینکه بتواند ما را وارد معادلات جهانی بکند، باید برقرار باشد.

حسین سلیمی: بله، شما بدیل دیگری دارید، خوب آن را بگذارید، اما بدانید که این یک اصل است. اگر سیاست امروز بین‌الملل را به بازار تشبیه کنیم، برای هر شکلی از حضور در این بازار، شرط اول، اصل حضور در آن است. اول باید وارد بشویم، نمی‌توانیم بگوییم وارد بازار نمی‌شویم، اما می‌خواهیم محیط بازار را عوض کنیم. البته من نگاه صفر و یکی نیست. در سیستم اقتصاد سرمایه‌داری جهانی نیازی نیست به طور کامل هضم شویم که مثل آن‌ها شویم، بلکه باید دریچه‌های کنشگری خودمان را باز کنیم. حرف عجیبی هم نیست. در همه سال‌های بعد از پیروزی انقلاب، این دریچه‌ها باز بوده است، اما بعد از ترامپ این دریچه‌ها بسته شد. شرط دوم